

نگاهی به هنرواندیشه شعر سید فتح علی گردیزی

دکتر نجم الرشید

عضو هیأت علمی گروه فارسی

دانشکده خاور شناسی دانشگاه پنجاب لاهور

نگهت طاهره نقوی

دانشکده دولتی اپوا، لاهور

چکیده:

سید فتح علی گردیزی مشهedy، معروف به فتح الله و متخلص به حسینی، شاعر نوپسند و تذکره نویس و منتقد و محقق معروف شبه قاره بود. آثارش اهمیت فوق العاده ای دارد خصوصاً دیوان حسینی که مشتمل بر غزلیات و متفرقات است. انداز فکرش عالمانه و فقیهانه بود. مانند حافظ و سعدی و خسرو از شهر و زمان و مردم خاصی صحبت نمی کند او از انسان و زندگی درویشانه حرف می زند.

واژه های کلیدی: سید فتح علی گردیزی، دیوان شعر، هنرواندیشه، ادبیات فارسی.

معرفی مختصر سید فتح علی گردیزی مشهدی:

سید فتح علی گردیزی مشهدی معروف به فتح الله و متخلص به حسینی، پسر عوض علی پسر عثمان خان مشهدی حسینی رضوی عارف و نویسنده و شاعر فارسی گوی شبه قاره است. که در دهلی زندگی می کرد. نیای او عثمان خان از سادات گردیز در نزدیکی غزنین بود اما به هند کوچید و در شمار منصب داران عمده دولت گورگانی هند درآمد.

نبی هادی در Dictionary of Indo Persian Literature می نویسد:

"Gardezi, Fath-Ali-Hussaini Descended from a family of the Sayyids of Gardez, a town near Ghaznin in Afghanistan. His grandfather came to settle in Punjab and enjoyed high honours in the reign of Farrukh Siyar. Hussaini himself preferred the simple and saintly life of a sufi and was respected for his piety by the people of Delhi. where he passed many years of his life. (نبی هادی، ۱۹۹۵: ۱۸۶)

پسر عثمان خان، سید عوض علی خان، پدر فتح علی خان، نیز از امرای دوره فرخ سیر (۱۱۲۴-۱۱۳۱ق) و محمد شاه گورگانی (۱۱۳۱-۱۱۶۱ق) بود. و مدتی بخشگیری سپاه مظفر خان بهادر را داشت. سپس در دوره احمد شاه گورگانی (۱۱۶۱-۱۱۶۷ق) نایب حاکم لاهور معین الملك معروف به میر منو، بود. سرانجام در یورش احمد شاه درانی به هند کشته شد. فتح علی خان نزد قاضی مبارک بن دایم گوپاموی و استادانی دیگر درس خواند. حسینی در ۱۲۲۴ق / ۱۸۰۹م درگذشت.

فتح علی گردیزی یکی از صوفیه و مشایخ بلند پایه زمان خود به شمار می رود. وی از جوانی درویشانه می زیست. به دست مخدوم میر جهان خلیفه مخدوم شاه عالم محمدی خلیفه میر سید محمد کبیر خلیفه شیخ محب الله آبادی بیعت بود.

قدرت الله قاسم، مرزا مسیح الله بیگ، یوسف علی یوسف، دکتر اکبر حیدری کشمیری، دکتر فرمان فتح پوری، حسینقلی خان عظیم آبادی، مقام علی و ذهن متعالی فتح علی گردیزی را بصد آب و تاب بیان کرده اند. احمد منزوی هم ذکر فتح علی گردیزی را شامل فهرست خود کرده است.

آثار سید فتح علی گردیزی بدینقرار است:

- ۱- ارشادات صاحب (ملفوظات و مکتوبات) (نوشاهی، سید عارف، ۱۹۸۴، ص ۳۷)
- ۲- نورهدایت (بادید اهل سنت به دستور قاضی محمد مبارک گوپاموی، در جواب شبهه مولوی مجد الله راجگیری در اثبات حقانیت علی (ع) نوشته شد) (همان، ص ۲۲۰)
- ۳- کشف الاستار فی معرفت الاسرار (مشمول بر موضوعات وحدت الوجود نوشته شده است) (همان، ص ۵۴)
- ۴- ارشاد نامه (درباره طریق بیعت نوشته شد) (منزوی، احمد، ۱۹۸۴، ۳/۱۲۴۹)
- ۵- معرفت الفقیر (رساله ای درباره معرفت فقر و اولیا است) (نوشاهی، سید عارف، ۱۹۸۴ م، ص ۵۷)
- ۶- شغل آدمی (عبارت از مشاهده و بیرنگی است) (همان، ص ۵۰)
- ۷- مرآة العرفان (موضوع رساله همان معرفت و فقر است) (همان، ص ۵۶)
- ۸- ابطال الباطل (در پاسخ به خرده گیری های آرزو. دکتر نجم الرشید این رساله را تصحیح کرده در مجله سفینه به چاپ رسیده اند) (همان، ص ۱۱۴)
- ۹- تذکره ریخته گویان (در شرح احوال شعرای اردو) (همان، ص ۲۰۵)
- ۱۰- دیوان شعر. (نوشاهی، سید خضر عباسی، ۱۹۸۶، ص ۳۵۰، ۳۵۱)

معرفی نسخه خطی دیوان سید فتح علی گردیزی:

یگانه نسخه خطی دیوان شعر سید فتح علی گردیزی به عنوان دیوان حسینی به شماره، ۵۳۰۱/۷۵۲۲ به خط نستعلیق در مجموعه آذر در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور نگهداری می شود.

دیوان شعر فتح علی گردیزی که اثر پر ارزش و گرانبهای شبه قاره به زبان فارسی است و مشتمل بر غزلیات و متفرقات است، چطور از زرف نگاهی ادب بینان و شعر پروران پنهان مانده شگفت آور است.

بسیاری از تذکره نویسان و نویسندگان ادب فارسی در کتابهای خود شعر و دیوان شعر

فارسی سید فتح گردیزی را ستوده اند. به عنوان مثال حسینقلی خان عظیم آبادی در "تذکره نشتر عشق" شعر و دیوان شعر فارسی او را چنین ستایش کرده است:

"بحافظه عالی و ذهن متعالی حکایات عجایب و کلمات غرایب از بزرگان سلف و مشایخ اساتذہ روزگار و اشعار آبدار بصد آب و تاب چنان بیان می فرمود که هر کس یکبار به صحبتش می رسید از دل و جان بنده گردیده اکثر بخدمتش حاضر می شد. و چون مزاج حسن پرست و سوز عشق مجاز در دل داشت. لهذا شعر عاشقانه هم سوای توحید و عرفان فکر می کرد. اکنون دیوانش پانزده هزار بیت رایج است. همیشه طالب فقر و درویشی می بود و محبت درویشان و صدق ارادت ایشان دامنگیر دل می داشت. و پیوسته جوینده پیر کامل بود". (عظیم آبادی، ۱۹۸۲، ۳۹۳/۲-۳۹۶)

فتح علی گردیزی مانند حافظ، سعدی و خسرو از شهر و زمان و مردم خاصی صحبت نمی کند او از انسان و زندگی درویشانه و قلندرانه حرف می زند. فکر مصفا و معطرش شفاف تر از آب روان و قشنگ تر از صبح روشن است که دیوانش مانند ستاره پر نور بر آسمان درخشان به نظر می رسد.

فکر حسینی گاهی رنگ پرسوز و نوازنده خسرو می پذیرد و بعضی جامانند مولوی و عراقی و بیدل در دریای عشق حق مغروق می شود. فتح علی گردیزی مانند حافظ و اقبال خواننده خود را بیدار می کند که از کشاکش تیرهای دروغ، فریب، منافقت و ریاکاری محیط آدم منقلب است. این دشمن مشترک ماهمان ریاکار و واعظ و دروغ گو و عارف فریکار است که حافظ نشان داده بود. این واعظان و عارفان ریاکار ایمان و اسلام را برای غلبه شخصی بکار می برند. ما باید بر تراز رنگ و نسل و روح اصلی اسلام آگاه بشویم.

نه من کفر و نه ایمان می پرستم

دل من آنی که یزدان می پرستم

در فضای مصفا و معطر شبه قاره فروغ همین فکر معتدل لازم است. تا این گهواره مهر و محبت رشد یافته شکل اصلی اسلام و فکر بلند انسان را فراموش نکند.

نگاهی به هنر و اندیشه شعر سید فتح علی گردیزی:

شعر گردیزی از نظر قوالب ، قواعد و عروض جلوه نیکو می دهد. شعرش اظهار زندگی است که در ترتیب قشنگی راست گوی و حسن را منعکس می کند. کاملاً صادق می آید که شعر کلاسیک او که در قالب های قدیم سروده شده خوانندگان را در دریای کلاسیک مسحور می کند:

عناصر شعر کلاسیک در کلام گردیزی:

۱- وزن:

اگر در مجموعه ای از کلمات واژه ها طوری بکار برده شوند که گوش از شنیدن آنها نظم و تناسبی خاص را درک کند. آن نظم و تناسب را وزن و آن کلام را موزون می نامند. شعر همراه با وزن تولد یافت . از نظر شعر کلاسیک مهم ترین عنصر و لازم ترین جزو وزن است. در شعر گردیزی این لازمه وزن خیلی موزون و متناسب است.

۲- قافیه:

بعضی از ادبیات قدیم تنها حروف آخر کلمات تکرار شونده را قافیه خوانده اند. مهم ترین نفس قافیه ایجاد موسیقی است. در شعر گردیزی قافیه از لحاظ جنبه های مختلف نقش مهمی دارد.

تلمیحات:

در شعر گردیزی بسامد تلمیحات قابل توجه است. تلمیحات عرفانی و تاریخی شعر حسینی را زیبایی می بخشد:

خوبرویان جان بکف دل در بغل استاده اند یوسف من گرسوی بازار می آبی بیا
(گردیزی، نسخه خطی دیوان ، برگ ۵)

.....

یوسف من چون نسیم مصر در کنعان برش نیست صبر و طاقت ایوب یعقوب مرا
(همان، برگ ۱۵)

.....

۹۸ نجم الرشید، نگهت طاهره نقوی/ نگاهی به هنرواندیشه شعر سید فتح علی گردیزی

راه حریم آن بت گم شد بوادی دل ای خضر پی خجسته تیماری ای خدا را
(همان، برگ ۱۳)

تشبیهات واستعارات:

کلام گردیزی پر از تشبیهات واستعارات است که در اینجا چند شعر به طور نمونه درج می گردد:

روز و شب صحبت بآن داریم ما همچو دل يك مهربان داریم ما
(همان، برگ ۹)

.....

همچو زلفش گر پریشانیم ما طره دستار جانانیم ما
(همان، برگ ۹)

مضمون آفرینی:

شعری که از خیال انگیزی، مضمون آفرینی و ابداعات تخیل خالی باشد خشک و بی روح خواهد بود. در کلام حسینی مضامین رنگا رنگ برگرفته از محیط و فکر شاعر می یابیم. بطور نمونه:

بت من گر بقصد غارت ایمان شود پیدا عجب هنگامه ای در بزم دینداران شود پیدا
اگر این دیده تر آبیاری گلستان گردد بجای لاله و گل چشم خون افشان شود پیدا
(همان، برگ ۱۷)

ایجاز و اختصار:

گردیزی در شعر خود مدعای خودش به ایجاز و اختصار و جاذبیت عرضه می کند که خواننده را با خود همگام و همدل می سازد:

نمی گویم گره از زلف یا بند قبا بکشا بهر نوعی که می دانی دل تنگ مرا بکشا
گره واکن ز زلفت تا جهان یکسر ختن گردد سر این نافه را يك لحظه در بیش صبا بکشا

مزن بر لب گره چون غنچه حرفی آشنا سر کن برنگ گل سوی بلبل لب رنگین نوا بکشا
(همان، برگ ۴، ۵)

موسیقیت:

فتح علی گردیزی مانند خسرو با تراکیب روان، موسیقی شعر خود را امتزاج زیبایی می
بخشد. این احساس زنده موسیقی در شبه قاره در کلام خسرو و در ایران در غزلهای حافظ
و سعدی بر می خوریم. حسینی می گوید:

در بهاران سوزدم دل ابرای عندلیب دام باید فصل گل افسوس جای عندلیب
قامت رعناى او باشد عصای پیری ام در چمن هر شاخ گل باشد عصای عندلیب
نیست باهم الفتی پنهان میان حسن و عشق گل گریبان چاک می سازد برای عندلیب
چون غنی از بزم گلرویان حسینی چون روم هررنگ گل رشته ای باشد بپای عندلیب
(همان، برگ ۲۶)

توحید و عرفان:

حسینی سوی تصوف و عرفان هم گرایش دارد. و دنیای مادی را ترك کرده مانند
سالک راه طریقت سوی حق گامزن می شود و مانند مولوی و عراقی دنیای وی دنیای صفا
و پاکیزگی است. حسینی بیگانه از تگاپوی مال و متاع مانند مرد کامل با خدا همکلام می شود
صدق کلام او دعای او را بدرجه قبولیت می رساند:

الهی داغ کن از آتش دل مغز جانم را شرافشان به رنگ شمع گردان استخوانم را
خدایا گوهر گوش بتان گردان جانم را چو موج آب کوثر صاف کن طبع روانم را
نمی گویم که مانند نظیری بی نظیرم کن قبول اهل دل همچون فغانی کن فغانم را
(همان، برگ ۲)

رنگ عشق:

رنگ عشق در کلام حسینی بسیار زنده و توانا است. عشق درویشانه او ماورای دنیای
رنگ و بو است. گاهی شعرش رنگ خسرو می پذیرد و گاهی مانند حافظ در دریای عشق حق

۱۰۰ نجم الرشید، نگهت طاهره نقوی/نگاهی به هنرواندیشه شعر سید فتح علی گردیزی

آگاه با واژه های قشنگ بازی می کند. عشق حسینی مقام و مرتبه خیلی بلند دارد که درد او در این دنیا هرگز درمان نیابد:

من از تب عشق خسته حالم علاج درد دلم ندانم بمن ندارد سر ترحم طیبِ دلها مسیح جانها
(همان، برگ ۳)

سوز عشق مجاز:

هر چند حسینی طالب فقر و درویشی بود ولی در مزاجش حسن فطرت و سوز عشق مجازهم وجود دارد بهمین سبب این رنگ شعرش خیلی جاذب است. به عنوان مثال:

نی برنگ بلبلان باغ و بهارم آرزوست همچو شبنم با گلی بوس و کنارم آرزوست
سرو گل پیراهنی خواهم در آغوش آورم نی نوای قمری و صوت هزارم آرزوست
لاله باغ غم عشق گل اندام خودم سینه داغ و دیده پر خون دلفگارم آرزوست
(همان برگ ۲۹)

طبیعت گرایی:

حسینی اندیشه های فطری و طبیعی خود خیلی انس دارد. او در مظاهر فطرت غرق شده خود را به آنها پیوسته و یگانه می بیند عکس حسن فطرت را در عشق کامل خود زلال و شفاف و روشن می بیند. فقط چند نمونه های فطرت پرستی و طبیعت گرایی در اینجا نقل می شود:

در چمن تا دید چشم پر خمار یار را خواب مستی رفت از سر نرگس بیمار را
(همان برگ ۸)

.....

هر گلی را بلبلی دیوانه می باشیم ما هر کجا شمعی بود پروانه می باشیم ما
(همان برگ ۱۶)

.....

دور از تو همچو ابر بهر جا گریستم گاهی بشهر و گاه بصحرا گریستم
(همان برگ ۱۲۰)

فقر و درویشی:

حسینی يك عارف كامل بود و عارف همیشه فقر را دوست دارد و غنای حقیقی فقر و درویشی خود می داند. می گوید:

واعظ فسون زهد به پیشم مخوان برو گوشم چو طفل نیست بافسانه آشنا
(همان برگ ۷)

.....

تاج شاهی را شکستی از کلاه فقر ما دولتی چون ترك دنیا تا که حاصل کرده ام
(همان برگ ۱۱۹)

سادگی و سلاست:

سادگی و سلاست یکی از ویژگی های شعر حسینی است.

ترا من دلربا دانسته بودم بخندیدن وفا دانسته بودم
ترا ای بت خدا دانسته بودم من کافر چه ها دانسته بودم
(همان برگ ۱۲۹)

قناعت:

در این زندگی مادی و تگاپوی مال و زر ، حسینی مرد قانع است. دل او از اندیشه و وهم مادیت مبرا است.

ما به اشك خود حسینی قانعیم اندر قفس فارغ از تشویش آب و دانه می باشیم ما
(همان برگ ۱۶)

عجز و انکسار:

عارفان و درویشان مانند حسینی عجز و انکسار را موجب ترفیع رتبه انسان می دانند. حسینی عجز را مرتبه امتیاز خود دانسته می گوید:

سودای عشق طفلی دیوانه کرد ما را پیر و جوان مبارك عقل و خرد شما را
هر خار این بیابان لبریز العطشها ست یا رب چه پیش آمد رند برهنه پا را
(همان برگ ۱۳، ۱۲)

سیر و سلوک:

حسینی در جهان عشق و محبت با محبوبش دیوانه وار محو منزل نادیده است. نزد عارف کامل عشق آن جذبۀ لازوال و بی مثال است که هیچ پایان ندارد. و هر راه محبت از دست سرد مرگ محفوظ و مامون است. درباره منازل عشق خود نمی داند و گوید:

می کشد از سینه دل آن قامت رعنا مرا تا برد از خود بسیر عالم بالا مرا
گوشه گیری کرد آخر روشناس عالمم همچو عنقا ساخت پنهان گشتم پیدا مرا
(همان برگ ۱۳)

امنیت و صمیمیت:

حسینی شاعر امنیت و صمیمیت است.

نه من کفر و نه ایمان می پرستم دلم آنی که یزدان می پرستم
حسینی زخمه ای بر تار دل زن نوای دردمندان می پرستم
(همان برگ ۱۲۸)

عقیدت با انبیا و اولیا:

در دیوان گردیزی عقیدت او با انبیا و اولیا بر می خوریم. دیوانگی و وارفتگی حسینی در این حوزه دیدنی است. به عنوان مثال:

السلام ای اختر برج رسالت السلام السلام ای گوهر درج ولایت السلام
یا حسین ابن علی سبط نبی هاشمی سرخ رو از تست میدان شهادت السلام
(همان برگ ۱۲۶)

درباره حضرت علی کرم الله وجهه می نویسد:

تجلی طور دلها را علی ابن ابی طالب چراغ محفل جانها علی ابن ابی طالب
بمیدان فتوت نیست کس را همسری با او بحکم لا فتا الا علی ابن ابی طالب
(همان برگ ۲۵)

مختصراً حسینی مانند حافظ خواننده خود را بیدار می کند که از کشاکش تیرهای

سفینه، شماره ۱۳، ۲۰۱۵ میلادی ۱۰۳

دروغ و فریب و منافقت و ریاکاری فضای جامعه آدم منقلب است. اگرچه علوم جدید تکنولوژی برای انسان امروز لازم است ولی چیزی که ما احتیاج به آن داریم آگاهی دشمن دیرینه که میان ما پنهان نشسته است. او همان زاهد ریاکار، واعظ دروغ گو و عارف فرییکار است. درباره اش حافظ می گوید:

واعظان کاین جلوه بر محراب و منبر می کنند
چون بخلوت میروند آن کارِ دیگر می کنند
این واعظان و عارفان دروغگو در نقاب و پرده فریب، محیط آدم را با دندان زهر آگین
آلوده می کنند. ما باید از روح اصلی ایمان و اسلام آگاه بشویم و فکر شفاف و پاکیزه مردم عامه
را مروج بکنیم، حسینی می گوید:

نه من کفر و نه ایمان می پرستم دلم آنی که یزدان می پرستم
(همان برگ ۱۲۷)

ولازم همین است که بالا تر از رنگ و نسل محیط را باصفا بسازیم.

صمد گویم ترا ای بت گهی گاهی صنم خوانم برون از کفر و ایمان است ایمانی که من دارم
(همان برگ ۱۲۱)

در حقیقت در فضای مصفا و معطر شبه قاره فروغ همین فکر لازم است تا این گهواره
مهر و محبت رشد یافته شکل اصلی ایمان و فکر انسانی را فراموش نکنند.

کتابشناسی:

- ۱- عظیم آبادی، حسینقلی خان (۱۹۸۲): تذکره نشتر عشق، ج ۲، با تصحیح و مقدمه اصغر جانفدا، زیر نظر اعلان خان، افصح زاد و جابلقا داد علیشایف، نشریات دانش، اکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیسی انستیتوی شرقشناسی تاجیکستان.
- ۲- گردیزی، سید فتح علی: دیوان حسینی به شماره ۳۰۱/۷۵۲۲-۵ مجموعه آذر کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور.
- ۳- منزوی، احمد (۱۹۸۴): فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، ج ۳،

۱۰۴ نجم الرشید، نگہت طاہرہ نقوی/ نگاہی بہ ہنرواندیشہ شعر سید فتح علی گردیزی

انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد.

۴۔ نوشاہی، سید حضر عباسی (۱۹۸۶): فہرست نسخہ ہای خطی فارسی کتابخانہ دانشگاه پنجاب، گنجینہ آذر، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد.

۵۔ نوشاہی، سید عارف (۱۹۸۴): فہرست نسخہ ہای خطی فارسی انجمن ترقی اردو کراچی، انتشارات تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد.

۶۔ Hadi, Nabi(1995): Dictionary of Indo Persian Literature, Abhinav publications New Delhi.